

امکان سنجی وقف پول
(ابزاری جدید در توسعه ادبیات و فعالیت‌های اقتصادی)

دکتر یدا... دادگر^۱

جواد سعادتفر^۲

تاریخ پذیرش: ۱۳۸۶/۲/۱۶

تاریخ دریافت: ۱۳۸۵/۴/۲۶

چکیده

در طول تاریخ و تمدن بشر، وقف اموال و دارایی‌ها مانند وقف زمین، ساختمان، کارخانه، فروشگاه و امثال آن به قصد انجام کارهای نیک، به صورتهای گوناگون وجود داشته است. وقف همواره ابزاری برای حل و فصل مشکلات اقتصادی و اجتماعی از جمله مبارزه با فقر، گسترش رفاه و امثال آن محسوب می‌شده است. یک بحث جدید این است که آیا می‌توان "پول" را هم در قالب فعالیت‌های وقفی قرار داد؟ یعنی به جای وقف زمین و منزل، مبالغی پول را جهت سرمایه‌گذاری، وقف نمود؟ گروهی مخالف و عده‌ای موافق این موضوع هستند. وظیفه این مقاله تحلیلی در این ارتباط می‌باشد. با وجودی که در وقف سنتی، ادبیات وسیعی شکل گرفته، پیرامون وقف پول مطالعات زیادی انجام نشده است. این مقاله با شیوه تحلیلی-توصیفی از ترکیب روش‌های کتابخانه‌ای اسنادی و استدلال‌های اقتصادی و شرعی استفاده می‌کند. ابتدا به مباحث اولیه و طرح موضوع پرداخته می‌شود، سپس استدلال موافقان و مخالفان وقف پول بررسی می‌شود و نهایتاً توصیه‌های سیاستی ارائه خواهد شد.

طبقه بندی JEL : E01, D02

واژگان کلیدی: وقف، وقف پول، سرمایه‌گذاری، بازار سرمایه.

1- عضو هیات علمی دانشگاه شهید بهشتی
2- پژوهشگر اقتصادی دانشگاه مفید

۱- مقدمه و توجیه اولیه اقتصادی

وقف یکی از فعالیتها و نهادهای مهم اقتصادی است که جنبه «عام‌المنفعه» دارد. در متون شرعی از وقف به عنوان «صدقه جاریه» نام برده می‌شود که بسیار با معنا است؛ زیرا وقف از یک طرف نوعی کمک مالی بدون عوض در امور خیر است (پس صدقه محسوب می‌شود) و از طرف دیگر یک منبع دائمی می‌باشد (که با مفهوم جاریه همراهی کافی دارد). وقف خصوصاً در صورتی که طرفیت کارکردی آن را بالا می‌برد؛ به این صورت که در اندیشه دینی، اموال وقفی را نمی‌توان فروخت، نمی‌توان به عنوان ارث به وارث داد و نمی‌توان آنرا هدیه داد. طبق مطالعات اقتصادی این خصوصیات می‌تواند قدرت توسعه بخشی وقف را بالا ببرد (Cadiosi, 1988).

در عین حالی که خرید و فروش اموال وقفی ممنوع می‌باشد ولی از منافع آن استفاده‌های معقول می‌شود و در نتیجه چون استفاده از آن استمرار دارد و نوعی ثبات در اصل تملک آن مطرح است می‌تواند به‌طور نسبی کارآمدتر از منابع مشابه آن محسوب گردد. (Arif, 1978, 18)

نکته جالب توجه در مورد وقف ظرفیت وسیع موارد استفاده از آن می‌باشد. یک استفاده از وقف کاربرد آن به عنوان ابراری جهت تولید یک محصول عمومی است. ساختن جاده، مسجد، مدرسه، بیمارستان و مؤسسه تحقیقاتی از این نمونه است. بدیهی است در این صورت وقف دارای نوعی آثار پیامدی مثبت خواهد بود که برای گسترش رفاه عمومی و بالا بردن کارایی اقتصادی بسیار ارزشمند می‌باشد (Connolly, 1999).

ممکن است سؤال شود که رویکرد و یا نهاد وقف پول چه مزیت و کاستی‌هایی نسبت به رویکردها و نهادهای دیگر مانند هدیه، صدقه و امثال آن دارد و اصولاً چه انگیزه‌ای برای طرح آن وجود داشته است. اصولاً برخی از مردم تمایل چندانی به هدیه یا صدقه دادن اموالشان ندارند، اما اگر بدانند راهی وجود دارد که می‌تواند دارایی‌های نقدی خود را برای همیشه باقی نگاهداشت تا دیگران از آن به عنوان وام، سرمایه‌گذاری و مانند آن بهره برده و منافع آن نیز در امور خیریه و رفع نیاز نیازمندان مصرف گردد، رغبت زیادی به آن نشان خواهند داد. بنابراین چون در وقف، مال موقوف باقی است، انگیزه برای «وقف نمودن» برای بسیاری افراد، بیشتر از انگیزه برای «هبه» یا «صدقه» است.

از طرفی در جامعه امروزی اکثریت افراد توانمند با توجه به عوامل مختلف تمایل به وقف کامل یک دارایی، به‌عنوان مثال تمام یک کارخانه را ندارند؛ با این وجود می‌توان این افراد را تشویق نمود تا بخشی از درآمد کارخانه را برای مصرف خاصی مانند برآوردن نیاز نیازمندان اختصاص دهند. علاوه بر این، تفاوت بین وقف که ذاتاً امری خیرخواهانه است با دیگر امور خیرخواهانه، این است که با اعلام واقف، وقف، سمت و سوی کار و تولید می‌یابد؛ در صورتی‌که در سایر امور خیرخواهانه، استفاده از دارایی، برای مدت زمان معین و محدود بوده و بدون قید انجام کار، ایجاد تولید و دریافت سود، همراه می‌باشد. این امر نشان می‌دهد که به چه میزان وجود فرهنگ وقف می‌تواند منشأ ایجاد کار و در نتیجه رونق بازار و اقتصاد یک جامعه گردد؛ چرا که یک ثروت در حالت استفاده عادی نه تنها باقی نمی‌ماند؛ بلکه زایل نیز می‌شود.

در مقابل دروقف، مصرف ناشی از بازدهی ثروت در امر کار و تولید و بر اساس نیت خیرخواهانه است و این ثروت کماکان باقی می‌باشد. بنابراین از یک سو در وقف پول، مالیت دارایی باقی و لذا انگیزه برای وقف اموال نقدی بیشتر از هبه یا صدقه دادن آن‌ها است. و از سوی دیگر در هبه و صدقه، واهب و منتدق، دخالتی در نوع هزینه کردن مال مورد نظر ندارد؛ ولی در وقف، می‌توان پول وقف شده را به سمت فعالیت‌های مولد اقتصادی سوق داد. شاید به همین دلیل باشد که ماندویل ظهور پدیده وقف پول را انقلابی در فقه می‌داند (ارناؤوط، ۲۰۰۵م).

وقف همچنین این خاصیت را دارد که در بخش عمومی و یا در بخش خصوصی مورد استفاده واقع شود. در ضمن توجه به درخواست وقف‌کننده و کاربرد اموال وقفی در امور خیر و عام‌المنفعه و استفاده آن جهت حل و فصل مشکل فقر و فقرا، اساسی می‌باشد (مغنیه، ۱۹۷۹، ۵۸۷).

با توجه به اینکه اموال وقفی بدون تحمل هزینه خاصی و آگزار می‌شوند نوعی فرصت اقتصادی بخصوصی را فراهم می‌کنند که سرمایه‌گذاری مربوطه از نظر اقتصاددانان بسیار کارآمد است

(Frenkel, 1991). برخی مطالعات تأثیر وقف روی رشد اقتصادی را به میزان معنی داری مثبت ارزیابی کرده‌اند (Gilbar, 1979). در ضمن کارآمدی وقف منحصر به کشورهای اسلامی نبوده در بسیاری از کشورهای غیر اسلامی نیز گزارش شده است. تأثیر وقف در افزایش رفاه در کشورهای هندوستان، نپال، آمریکای شمالی، روسیه، اوگاندا، قبرس، یونان و انگلستان مورد تأیید بسیاری از مطالعات می‌باشد (Kozlowski, 2002 & Kahf, 1998).

نقش وقف در تقویت سرمایه انسانی (Layish, 1997)، در گسترش آموزش نیروی انسانی، در تأمین و بازشناسی حقوق زنان (Fay, 1997 & Petry, 1991)، در حل و فصل مشکلات بهداشت عمومی (Cizaka, 1998) و پیشرفت کلی جامعه (Ashfsque, 2002)، مورد توجه کافی پژوهش‌های اقتصادی است.

بنابراین در فایده‌مند بودن وقف تردیدی وجود ندارد، اما یک بحث مهم تحولات وقف و شمول آن بر دارایی‌های واسطه‌ای همچون پول و دیگر اوراق بهادار می‌باشد. به نظر می‌رسد که پذیرش قانونی (و شرعی) وقف پول می‌تواند کارآمدی نهاد وقف را باز هم افزایش دهد. در رابطه با وقف پول و سایر دارایی‌های مالی و واسطه‌ای، موضوع هنوز مراحل اولیه خود را می‌گذراند (Cizaka, 1995). در عین حال زمینه‌های بحث آن در تاریخ عمومی و اسلامی به‌طور خاص وجود داشته و در مواردی به اجرا رسیده است (Algari, 1992). اما موضوع مورد جدل بین صاحب نظران پروژه علمای دین می‌باشد. یکی از یافته‌های این مقاله ضمن تحلیل دیدگاه‌های متفاوت در این زمینه، قانونی بودن و کارآمد بودن وقف پول می‌باشد.

وقف می‌باید همراه با تحول اوضاع و شرایط زمان و مکان، مورد بازنگری قرار گیرد تا بتواند در حل مسائل جدید، جایگاه خویش را در ساختار نظام اقتصادی باز یابد. اگر اموال وقفی منحصر در خانه، زمین و اموال غیر منقول دیگر بود، آن‌گاه بسیاری به دلیل نداشتن ملک یا املاک مازاد بر نیاز، از وقف اموال خود محروم می‌گردیدند. بنابراین یک هدف از قانونی بودن وقف پول آن است که چنین افرادی نیز بتوانند در وقف شریک شوند. علاوه بر آن برخی تمایل چندانی به صدقه دادن اموالشان ندارند، اما اگر بدانند که می‌توان بخشی از دارایی‌های نقدی را به صورت وقف نگهداشت تا دیگران از آن به عنوان وام، سرمایه‌گذاری و مانند آن بهره برده و منافع آن نیز در امور خیریه و رفع حاجات نیازمندان مصرف گردد، رغبت زیادی به آن نشان خواهند داد.

ریشه نخستین وقف پول در اسلام به قرن هشتم می‌رسد؛ زمانی که از قاضی القضاة بصره^۱ در مورد استفاده از چنین وقف‌هایی پرسیده شد و او پاسخ داد که باید به صورت مضاربه به بیماران واگذار شود. طرح چنین پرسشی نشان می‌دهد که در آن زمان چنین اوقافی وجود داشته است (چیزاکا، ۱۳۸۳ش، ص ۱۱۲). در روم (اروپای قدیم) وقف پول برای اولین بار در دهه سوم قرن پانزدهم میلادی مطرح گردید و بعد از فتح قسطنطنیه (۱۴۵۳) به سرعت گسترش یافت تا آنجا که بعد از نیم قرن یعنی در دهه اول قرن شانزدهم میلادی، وقف پول در دولت عثمانی بر سایر انواع وقف غلبه پیدا نمود^۲ (الارناؤوط، ۲۰۰۵).

در جامعه عثمانی هزینه‌های بهداشت، آموزش و رفاه از طریق وقف تأمین مالی می‌شد و در این میان وقف پول نقش بسیاری داشت. وقف پول را نیکوکارانی راه اندازی می‌کردند که مبلغ معینی از پول خود را به اهداف خیرخواهانه اختصاص می‌دادند. سرمایه وقف در آن زمان به قرض‌گیرندگان منتقل می‌شد تا امور و احتیاجات اقتصادی خود را بر طرف نمایند. در عین حال وام‌گیرندگان اغلب مصرف‌کنندگان بودند و سرمایه اوقاف در آن زمان خیلی برای معاملات بزرگ اقتصادی و تجاری، چندان به‌کار گرفته نمی‌شد. البته اقلیت کوچکی از وام‌گیرندگان، پول قرض‌گرفته از اوقاف را به همراه نوعی بازپرداخت بالاتر به صرافان قرض‌می‌دادند و به این ترتیب بازار پولی دومی پدید آورده بودند. وقف پول تا چند قرن در دولت عثمانی رواج داشت تا اینکه با ظهور و گسترش تورم جهانی که بر اثر فروپاشی سیستم پایه طلا در قاره آمریکا رخ

1- زفرین هذیل (۱۱۰-۱۵۸ق) از اصحاب ابوحنیفه و قاضی بصره بوده است (الزرکلی، ۱۹۸۴م: ۴۵/۳).

2- ارناؤوط صاحب نظر تاریخ معاصر معتقد است: گسترش وقف پول در آغاز مختص به مناطق ترک‌نشین عثمانی بوده است. این موضوع در سرزمین اعراب به دلیل مخالفت گروهی از فقها، گسترش چندانی پیدا نمود و تنها در حلب و فلسطین به دلیل مهاجرت عده‌ای از رومیان به آنجا^۱ وقف پول رواج یافت.

داد و قدرت خرید این نوع از اوقاف را با مشکل مواجه ساخت، به اضمحلال گرایید (الجبر، ۴۲۴ق) ۱. به‌طور کلی وقف پول به شکل دقیق آن در بسیاری از کشورهای اسلامی وجود داشته است. از جمله می‌توان به رواج وقف مذکور، در مصر، ترکیه، مغرب و امثال آن نام برد (القحف، ۴۲۰ق).

مسلمانان مالزی که ساکنین اصلی این کشور بودند، در فقر و تنگدستی به سر می‌بردند. بخش تجارت در دست چینی‌ها و صنعت و خدمات در اختیار یهودیان بود، و مسلمانان به عنوان کارگر نزد آنها کار می‌کردند. مسلمانان می‌خواستند حج گذارند ولی درآمدی نداشتند که بتوانند این فریضه الهی را بجا آورند، لذا به فکر افتادند که صندوقی وقفی تأسیس کنند که هر شخصی که می‌خواهد حج گذارد، مبلغ معینی را در اختیار آن صندوق قرار دهد. آنگاه سرمایه صندوق در امر سرمایه‌گذاری به‌کار رفته و از درآمد آن سالانه عده‌ای به زیارت خانه خدا نایل شدند. این صندوق‌ها که «تانبک حجی» نام دارند، اکنون از بزرگترین مؤسسات اقتصادی در مالزی هستند که مالک شرکت‌های بسیاری بوده و در بسیاری شرکتها نیز سهامدار می‌باشند. قدرت اقتصادی این مؤسسات به اندازه‌ای است که هر کس که می‌خواهد شرکتی تأسیس نماید، به سراغ «تانبک حجی» می‌رود و آن را به مشارکت دعوت می‌نماید. تجربه فوق به بنگلادش و کویت نیز منتقل گردیده و آنها نیز بر این اساس یک سری مؤسسه وقفی را بنیان گذاشته‌اند (الشریف، ۲۰۰۴ م). یک موضوع اساسی در پدیده وقف پول اختلاف نظر تعدادی از فقها می‌باشد که در بخش‌های بعدی مورد اشاره قرار می‌گیرد.

۲- نقد و تحلیل موضوع

در متون اسلامی وقف پول، بیشتر با عنوان "وقف درهم و دینار" مطرح است؛ زیرا پول رایج در دوره‌های اولیه اسلامی، همین دو واحد پولی بوده است. جالب توجه است که گروه قابل توجهی از فقهای شیعه مخالف وقف پول بوده ولی اکثریت فقهای اهل سنت موافق آن هستند. با توجه به تجارب اقتصادی در بسیاری از کشورها پیرامون وقف، دیدگاه موافقان وقف پول از کارآمدی قابل توجهی برخوردار است. مقوله وقف از جمله موضوعاتی است که در کشورهای پیشرفته جهان مطرح است. در همه کشورهای دنیا ثروتمندان به ویژه در سنین بالا تمایل دارند بخشی از ثروت خود را جهت اهداف خیرخواهانه وقف نمایند؛ لذا حل و فصل دیدگاه مخالفان و پذیرش نظر کارشناسان اقتصادی از سوی آنها هم از نظر علمی و هم از جهت تجربی کارساز می‌باشد.

این موضوع در میان فقهای شیعه اختلافی است. به این صورت که گروهی از آنها، وقف پول را به‌طور مطلق جایز ندانسته‌اند؛ از جمله: شیخ طوسی تصریح می‌کند که وقف درهم و دینار صحیح نیست زیرا منفعت حاصل از آن دو جز با تصرف کامل در آنها حاصل نمی‌شود. در نوشته‌های ابن ادریس و ابن زهره (ابن ادریس، ۱۴۱۱ ق: ۳/ ۱۵۴^۲ و ابن زهره، ۱۴۰۴ق: ۵۴۱) نیز نظیر همین عبارت ذکر گردیده است. ابن براج، ابن سعید (ابن سعید، ۱۴۰۵ ق: ۳۶۹)، ابن حمزه (ابن حمزه، ۱۴۰۸ ق: ۳۶۹)، سبزواری (السبزواری، ۱۳۷۹ ش: ۳۶۶) و کیدری (الکیدری، ۱۴۱۰ق: ۲۰۱/۱۲) دیدگاه‌های مشابهی را بیان می‌کنند. عبارات برخی از فقها پیرامون وقف پول با تردید (و نه تصریح) همراه است (العلامة الحلبي، بی‌تا: ۱/ ۲۶۹ و فخرالمحققین، ۱۳۸۸ ق: ۲/ ۳۸۹). فیض کاشانی می‌گوید دو دیدگاه در مورد وقف پول وجود دارد: جواز و عدم جواز (الفیض الکاشانی، ۱۴۰۱ ق: ۲/ ۲۰۸). برخی دیگر با فرض وجود منفعت صحیح عرفی، قائل به جواز وقف پول شده‌اند (الشهید الأول، ۱۴۱۴ق: ۲/ ۲۶۹). محقق ثانی (المحقق الثانی، ۱۴۱۰ق: ۵۸/۹) و سبزواری (السبزواری، ۱۴۱۶ق: ۴۵/۲۲) نیز تعبیر مشابهی به‌کار برده‌اند. علامه حلبي (العلامة الحلبي، ۱۴۲۱ق: ۳/ ۳۱۲)، شهید ثانی (شهید الثانی، ۱۴۲۲ق: ۵۲۰)، سبزواری (السبزواری، بی‌تا: ۱۳۹)، صاحب جواهر (النجفی، ۱۳۹۷ ق: ۱۸/۲۸) و صاحب عروه (الطباطبایی البزدي، بی‌تا:

1- حرف «ق» در ارجاعات تاریخی نشان دهنده سال قمری است.

2- این مورد و موارد مشابه شماره جلد منبع مورد نظر می‌باشد لذا ۱۵۴/۳ بیانگر جلد سوم از کتاب ابن ادریس (که در فهرست منابع بیان شده) و صفحه ۱۵۴ می‌باشد.

۲۰۶/۱) با تعابیر مشابهی می‌گویند وقف پول برای زینت و یا ضرب سکه جایز است، اما در موارد دیگر صحت آن را با احتیاط بیان می‌کنند.

از میان علمای اهل سنت، حنبلی‌ها می‌گویند وقف پول جایز نیست (الزحیلی، ۱۴۰۵ق: ۱۶۲/۸؛ ابن قدامة، ۱۴۱۴ق: ۲۶۲/۸). علمای شافعی نیز قول مشابهی دارند (ابن الهمام، بی‌تا: ۴۳۱/۵؛ الرملي، ۱۳۸۶ق: ۳۶۰-۳۶۲؛ الشربینی، ۱۳۷۷ق: ۳۷۷/۲ و الزحیلی، ۱۴۰۵ق: ۱۸۸/۸). اکثر دانشمندان حنفی هم عقیده دارند در صورتی که از نظر عرف و رفتار عقلایی بتوان پول نقد را وقف نمود، جایز خواهد بود (الزحیلی، ۱۴۰۵ق: ۱۶۳/۸ و ۱۶۴؛ الطرابلسی، ۱۴۰۱ق: ۲۶؛ ابن الهمام، بی‌تا: ۴۳۲/۵ و عابدین، بی‌تا: ۳۷۴/۳). علمای مالکی وقف پول را عموماً جایز می‌دانند (الزحیلی، ۱۴۰۵ق: ۱۸۷/۸ و الخطیب، ۱۳۹۸ق: ۹۱).

جالب توجه است که با وجود اختلاف نظر علمای قدیمی، مجامع فقهی و دینی امروزی با انجام اجتهاداتی، وقف پول را مجاز می‌دانند؛ به عنوان مثال نشست پانزدهم مجمع بین‌المللی فقه اسلامی و ایسته به سازمان کنفرانس اسلامی که در تاریخ ۱۴ تا ۱۹ محرم ۱۴۲۵ق (۲۰۰۴ میلادی)، در عمان برگزار شد، وقف پول نقد را مجاز اعلام نمود. گردهمایی دوم با عنوان "مسائل فقهی وقف" که با شرکت ۶۰ تن از علما و اندیشمندان توسط دبیرکل اوقاف کویت با همکاری بانک توسعه اسلامی در سال ۲۰۰۵م برگزار گردید، نیز وقف مربوطه را جایز دانست (الوسط، ۲۰۰۵/۵/۲۳). می‌توان دلایل نفی وقف پول را در قالب چهار مورد زیر جمع‌بندی نمود:

دلیل اول شرط "عین" بودن مال وقفی است. به این صورت که مخالفان می‌گویند مال وقفی باید از "اعیان" باشد (مثلاً خانه، فروشگاه و امثال آن) و پول از "نقود" است. اما وقف "پول در اینجا همانند وقف نوعی بدهی یا "دین"، تلقی شده است (المحقق‌الحلی، ۱۴۰۳ق: ۴۴۴/۳؛ الشهدی الأول، ۱۴۱۴ق: ۲۶۸/۲؛ البحرانی، ۱۴۰۵ق: ۱۷۶/۲۲؛ الطباطبایی الیزدی، بی‌تا: ۲۰۵؛ الخوئی، ۱۴۱۰ق: ۲/۲۳۹ و النجفی، ۱۳۹۷ق: ۱۴/۲۸).

دلیل دوم این است که مال وقفی باید غیرمنقول باشد، لذا وقف پول (که منقول است)، جایز نیست. اما متون دینی بر شرط غیرمنقول بودن وقف تأکید ندارند. مثلاً برخی تصریح نموده‌اند که در مال وقفی تفاوتی بین "منقول" و "غیرمنقول" وجود ندارد (السبزواری، ۳۷۹ش: ۳۶۵؛ ابن زهره، ۴۱۴ق: ۵۴۰-۵۴۱؛ الکیدری، ۴۱۰ق: ۲۰۱/۱۲ و العلامة الحلی، ۱۴۱۰ق: ۴۵۲). شهید ثانی، ضمن رد نظریه "بطلان وقف منقول"، ادعای اجماع فقهای شیعه بر صحت آن را نموده است (الشهدی الثاني، ۱۴۱۴ق: ۳۲۰/۵).

فقهای مالکی، وقف منقول را به‌طور مطلق جایز دانسته‌اند. لذا وقف طلا، پول، نقره، لباس، غذا، کتاب و غیر آن در نزد آنان جایز است (زحیلی، ۱۴۰۵ق: ۱۶۳/۸ و ۱۶۴). طرابلسی از دیگر صاحب‌نظران و تحلیل‌گران فقهی می‌گوید: وقف آنچه که متعارف است، جایز است، اما وقف آنچه مانند لباس و اثاثیه که متعارف نیست، صحیح نمی‌باشد. بنابراین در میان اهل سنت "بطلان وقف منقول" تنها به دیدگاه حنفیها (آن هم در برخی حالات) مربوط است.

دلیل سوم، منافات وقف پول با شرط دیگر مال وقفی یعنی «لزوم قابلیت بقاء در ضمن انتفاع» است. بررسی دلیل سوم را با طرح این سؤال آغاز می‌کنیم که آیا اصولاً پول دارای منفعتی هست که ضمن انتفاع از آن، عین آن باقی باشد؟ فقها پول وقفی را با اموال اجاره‌ای مورد مقایسه قرار داده و در اجاره نیز شرط نموده‌اند که مال مورد اجاره باید دارای منفعتی باشد که با انتفاع از آن، عین آن باقی باشد؛ لذا صحت اجاره در هم و دینار از این جهت مورد بحث واقع گردیده است. برخی از آنها در این رابطه تصریح می‌کنند: اجاره در هم و دینار صحیح است، زیرا اولاً مانعی بر صحت این اجاره وجود ندارد؛ ثانیاً در هم و دینار این قابلیت را دارند که از آنها انتفاع برده شود بدون اینکه موجب اتلاف آنها گردد. در نتیجه آنها که اجاره پول را جایز نمی‌دانند، وقف آن را نیز جایز نمی‌دانند (ابن ادریس، ۱۴۱۰ق: ۲/۴۷۵)؛ اما باید توجه داشت که ملازمه‌ای بین وقف و اجاره مطرح نیست.

ولی آن دسته از فقها که منفعت پول را منحصر در "خرج کردن" دانسته و سایر انتفاعات از آن را ناچیز می‌شمارند، اجاره یا وقف آن را جایز نمی‌دانند؛ اما آن دسته که قائل به جواز اجاره یا وقف آن هستند، معتقدند که می‌توان از آن به‌گونه‌ای منتفع شد که عین آن باقی باشد. در هر حال وقف پول برای قرض دادن - و به طریق اولی - تجارت کردن، نزد فقها صحیح نیست؛ زیرا انتفاعات مزبور مخالف با بقای آن است. این

عمدترین دلیلی است که در کلمات فقها بر بطلان وقف پول مطرح گردیده است. در ضمن ماده ۵۸ قانون مدنی ایران نیز بیان می‌کند که: فقط وقف مالی جایز است که با بقای عین، بتوان از آن منتفع شد، اعم از اینکه منقول باشد یا غیر منقول (جهانگیر، ۱۳۸۳ ش: ۱۳۶). می‌توان گفت که اگر پول به گونه‌ای وقف شده که با انتفاع از آن، از بین می‌رود (مانند وقف پول برای اینکه در قالب پرداختهای انتقالی و کمکهای تأمین اجتماعی در جهت نیازهای مستمندان هزینه شود)، صحیح نیست. اما اگر مبالغی پول وقف گردد تا از محل آن به نیازمندان وام داده شود و یا وقف شود تا با آن سرمایه‌گذاری صورت گرفته و درآمد حاصل از آن صرف نیازمندان شود، در این صورت اصل پول باقی خواهد ماند و بنابراین با شرط "لزوم بقای مال موقوف در ضمن انتفاع" منافاتی ندارد.

اشکال چهارمی که ممکن است در وقف پول مطرح شود، این است که طول عمر پول در صورت وام دادن و یا انجام سرمایه‌گذاری با آن، به درازی طول عمر زمین یا خانه یا موارد مشابهی که وقف می‌شود، نیست. زیرا وام دادن پول، آنرا در معرض "ریسک عدم بازپرداخت اصل سرمایه" قرار می‌دهد. و سرمایه‌گذاری با آن نیز، آنرا با "ریسک زیان و ورشکستگی" مواجه می‌سازد. بنابراین بقای پول با وجود انتفاع از آن، در موارد مزبور محرز نیست. در پاسخ باید گفت: البته می‌پذیریم که وقف "عین" با وقف "پول" از این جهت متفاوت است زیرا طول عمر "اعیان" (مثل ساختمان) معمولاً بیش از طول عمر "نقود" (مثل پول) است. با این وجود در موارد مزبور عرفاً «بقای مال در صورت انتفاع» محرز می‌باشد.

در ضمن وقف پول با شرط دوام نیز منافاتی ندارد؛ زیرا:

اولاً منظور از دوام این است که وقف نباید مقید به زمان محدودی گردد و فرض این است که در وقف پول، وقف مقید به زمان محدودی نگردیده است؛ لذا وقف پول دوام می‌یابد.

ثانیاً منظور از "لزوم دائمی بودن، تا زمانی است که خود مال وقفی باقی بماند و یک حکم مطلق نیست. بقای ابدی عین موقوفه شرط نیست و بنابراین است که وقف لباس و اثاث منزل و زمین صحیح و ملاک در عین موقوفه هر آن چیزی است که انتفاع با وجود بقای آن، ممکن باشد. ۱

۳- تحلیل امکان سنجی

ابتدا به طور مستقیم دلایل چند گانه موافقان وقف پول را ذکر می‌کنیم و سپس به تحلیل امکان سنجی این پدیده می‌پردازیم.

یکی از دلایل قائلین به جواز وقف پول، ملازمه بین امانت و وقف است. آنها تصریح می‌کنند که صحت امانت دادن در هم و دینار مورد اجماع علما می‌باشد و هر چیزی که امانت دادن آن صحیح باشد، وقف آن هم صحیح است.^۲ گروهی دیگر از فقها نیز با ذکر عبارتهای مشابهی بر این موضوع تأکید دارند (الإصفهانی، ۱۳۹۷ق، ۱۴۳/۲؛ الخميني، بی‌تا، ۷۰/۲ و السبزواري، ۱۴۱۶ق، ۴۴/۲۲ و ۴۵).

دلیل دوم، تمسک به قواعد عمومی در موضوع وقف^۳ است. مدافعان این دلیل می‌گویند پول همانند سایر اموال است و قواعد عمومی در شریعت صحت وقف آنرا شامل می‌گردد (الطباطبایي، بی‌تا، ص ۴۹۵). به عبارت دیگر قواعد و ضوابط حاکم بر وقف دیگر عناصر در مورد پول هم جاری است و لذا وقف آن صحیح می‌باشد.

دلیل سوم به فرق بین وقف اموال نقد و وقف سایر اموال برمی‌گردد. به نظر مدافعان این دلیل، "وقف نقود" از قبیل "وقف مالیت" (مورد استفاده)^۴ است و با وقف سایر اعیان که "وقف مال" است، متفاوت

1- لا یشتراط کون العین مما یتقی مؤبداً و ضابطه ما یصح الانتفاع به منفعة محللة مع بقائه، و التأیید المشترط فی الوقف إنما هو بمعنی دوامه بدوام وجود العین الموقوفة (البحرانی، ۱۴۰۵ ق: ۱۷۹/۲۲).

2- کل ما یصح عاریته یصح وقفه (النجفی، ۱۳۹۷ ق، ۱۸/۲۸).

3- «حسب الأصل و سبیل الثمرة» و نیز «الوقوف علی حسب ما یوقفها أهلها».

4- منظور از مالیت به زبان اقتصادی همان مطلوبیت و نوع استفاده‌ای است که انسان از اموال مربوطه می‌برد. مثلاً یک مسکن اجاره‌ای یک اصل "مال" را شامل است (که همان ساختمان مربوطه است) و یک استفاده‌ای که مستأجر از آن می‌برد، که مالیت آن نامیده می‌شود.

می‌باشد. در وقف مال، اصل مال می‌باید (با وجود انتفاع) باقی بماند، ولی در وقف مالیت، بقاء مالیت با وجود انتفاع کافی است و نیازی به بقای خود مال نیست. در گذر تاریخ و با توجه به تجربه کشورها، در عملکرد اوقاف ثبت شده، اگر کسی فرش یا کتاب خود را نزد کسی امانت گذاشت، منظور حفظ عین آنهاست نه مالیت آنها؛ ولی هر گاه مبلغی وجه نقد رایج به ودیعه گذارد، نظر به عین آنها نیست بلکه مالیت آنهاست. اگر وجه رایج در شرف تغییر و تبدیل باشد، مقتضی امانت این است که آنها را به نوع رایج تبدیل نماید و در غیر این صورت ضامن خواهد بود. با وجود جایز بودن وقف مالیت مال، ممکن است اشخاص خیرخواه مبلغی را به بانک یا مؤسسات دیگر بسپارند که اصل آن محفوظ و درآمد آن به مصرف امور اجتماعی (مانند رفع گرفتاری نیازمندان یا کمک به اهل کسب و کار یا رفع گرفتاری از زندانیان و غیره) برسد. حتی ممکن است مالی اعم از منقول و غیر منقول وقف شود که از درآمد آن در مقابل وثیقه و بدون پرداخت سود به نیازمندان وام داده شود و پس از مدتی وام مسترد گردد (باقی شهرضایی، ۱۳۵۰ ش، ص ۲۵).

برخی از صاحب‌نظران تصریح می‌کنند که: اگر ما وجود اعتباری اسکناس و سکه را (مخصوصاً در زمان حاضر) در نظر بگیریم و نوعی ارزش حقیقی را پشتوانه آنها بدانیم، در آن صورت اگر کسی پولی را از دیگری (حتی به عنوان امانت) گرفته است، تعویض کند، مشکلی رخ نمی‌دهد. بنابراین چه اشکالی دارد کسی مثلاً یک میلیون تومان را وقف کند، آن را به یک بانک سپرده و بانک هم آن را در اختیار افراد محتاج قرار دهد و قرض‌کنندگان هم بعد از رفع نیاز با در موعده مقرر، آن را برگردانند؟ (حائری یزدی، ۱۳۸۰ ش، ص ۱۳۸). وقف پول برای مضاربه و قرض‌الحسنه، نه با اصول وقف، ناسازگار است و نه با هیچ حکم و اصل شرعی دیگر (ملکوتی‌فر، ۱۳۸۰ ش، ص ۱۴۴).

دلیل چهارم به ماهیت کارکردی پول در گردش مربوط می‌شود. مدافعان این دلیل بیان می‌کنند که اشکال در وقف پول این است که مردم وقتی از پول منتفع می‌شوند که آن را خرج کنند و چون آن را خرج کردند از بین می‌رود و دیگر باقی نمی‌ماند. ولی باید گفته شود که باقی بودن هر چیز به فراخور خود آن چیز است و بنابراین می‌توان گفت پول در گردش از بین نمی‌رود. چه اشکالی دارد که شخص ثروتمند بخشی از اموال نقدی خود را برای نیازمندان وقف کند و در بانکی نگهداری نماید تا هر نیازمندی برای رفع حاجت از آن استفاده کند و در سررسید آن را به بانک بپردازد؟ این گونه وقف را عرف عقلاً می‌پذیرد، چون مفید و ارزنده است و هیچ مشکل شرعی هم در ارتباط با آن بروز نخواهد کرد (فیض، ۱۳۷۳ ش، ص ۱۰۶ و ابن عابدین، بی‌تا، ۳/۳۷۴).

دلیل پنجم صحت وقف پول استناد به قواعد عمومی شریعت است. طرفداران این دلیل می‌گویند با استفاده از عموماً صحت عقد می‌توان وقف پول، را به عنوان عقده جدید تصحیح نمود و از جمله عموماً مزبور، آیه وفای به عقد، ۱ را مطرح می‌کنند (الطباطبایی، بی‌تا، ص ۴۹۵ و شعرانی، بی‌تا، ص ۴۵۵).

چند بحث تکمیلی

پژوهش و تحلیل در مسأله حاضر (امکان سنجی وقف پول) طی مقدمات زیر (و در قالب چهار قاعده علمی) سامان می‌یابد:

الف - امضایی بودن: اصولاً احکام و فعالیت‌های شریعت در دو دسته امضایی و تأسیسی گنجانده می‌شوند. امور امضایی آنهایی هستند که در میان جوامع و عقلاً مرسوم بوده و شرع آنها را مورد تأیید قرار می‌دهد. ولی امور تأسیسی را خود شریعت بنیان می‌گذارد. عمده معاملات، امضایی هستند، یعنی شارع آنها را تأسیس نکرده، بلکه معاملات عرفی در میان مردم را در چارچوبی خاص امضاء نموده است که وقف نیز یکی از آنها است.

وقف یکی از پدیده‌های اجتماعی است که از روزگاران دوردست، یعنی از زمانی که بشر به طور اجتماعی زندگی خود را آغاز کرد، شروع شده و همچنان ادامه خواهد یافت. بنابراین، وقف مبنای عقلانی دارد و بر پایه نیاز اجتماعی پیریزی شده است و با همان نگاه نیز باید درباره آن بحث کرد. وقف اختراع شرع نیست که لازم باشد ماهیت، کیفیت، شرایط، حدود و قیود آن از شرع گرفته شود، گو اینکه شرع در

1- آیه «أوفوا بالعقود» و حدیث «المؤمنون عند شروطهم».

نهادهای ایجاد شده توسط عقلا و از جمله وقف، نظارت و مراقبت داشته و درباره اهمیت آن، شرایط آن، حدود آن، فضیلت و ثواب آن، اوامر و دستورهای صادر کرده است؛ ولی چنانچه گفته شد همه آنها اشاره‌ای است به بنای عقلا و تأییدی است از کارهای خیر خردمندان (فیض، ۱۳۷۲، ۳۵-۳۷).

تأکید می‌کنیم که اصل این سخن که وقف از جمله معاملات امضایی است؛ صحیح است، اما این که این همه اوامر و نواهی وارد شده از سوی شارع پیرامون وقف، اوامر و نواهی ارشادی دانسته شود محل تأمل است. توضیح اینکه اخبار وارده پیرامون وقف، اگر در مورد فضیلت و اهمیت وقف باشد، ارشاد به حکم عقل است، اما اخباری که پیرامون توسعه و تضییق دایره وقف و حدود و ثغور آن وارد شده است، در مواردی جنبه تشریحی دارد. مثلاً اگر اینها بیانگر حدود بنای عقلا باشد، ارشادی هستند، ولی اگر در مقام توسعه یا تضییق دامنه خود بنای عقلا باشند، تشریحی خواهد بود. در هر صورت شارع مقدس بسیاری از معاملات را امضا کرده است، اما علاوه بر نبیین و تأیید بنای عقلا در آن معاملات (احکام ارشادی)، در حدود و ثغور بنای عقلا نیز دخل و تصرف‌هایی نموده است (احکام شرعی وضعی یا تکلیفی).

بنابر این امضایی بودن عقود و معاملات موجب نمی‌شود که همه احکام وارد در آن، ارشادی باشد؛ چنانکه عکس آن نیز صحیح است؛ یعنی اگر در عقد یا معامله‌ای، احکام شرعی وضع گردید که در مقام تضییق یا توسعه دایره آن بود، موجب نمی‌شود که عقد مزبور از امضایی بودن خارج شود و اگر حتی ادعای برخی از علما که وقف خانه و زمین را از ناحیه اسلام می‌دانند (الدردیر، ۱۳۹۸، ۱، ۲/۲۹۶) را بپذیریم، موجب نمی‌شود که وقف را از معاملات تأسیسی قلمداد نماییم. خلاصه به نظر ما وقف پول از موارد امضایی است و در نتیجه کاربرد آن (با حفظ ضوابط عمومی) فاقد اشکال می‌باشد.

ب - گستردگی دایره وقف: جالب توجه است که وقف (در میان معاملات امضایی) از جمله معاملاتی است که کمترین قیود را از سوی شارع متحمل شده و مهمترین روایت وارد شده در این باب، بدینگونه است: الوقوف تكون علي حسب ما يوافقها أهلها! (الصدق، ۱۴۰۴، ۴/۲۳۷). صاحب وسائل الشیعه ((الحر العاملي، ۱۴۱۲ق) در این روایت امام می‌فرماید: وقف، تابع شرایطی است که واقف نموده و آنچه از قصد وی یا از عرف فهمیده می‌شود. ملاحظه می‌گردد که روایت مذکور (که در زمره مهمترین دلایل در باب وقف است)، نه تنها خاصیت تحدیدکنندگی ندارد، بلکه زبانش، زبان توسعه است. تا آنجا که برخی از فقها با توجه به عام بودن روایت مزبور بر عمومیت جواز وقف به آن استناد نموده‌اند. (الطوسی، ۱۴۱۱، ۳/۵۴۱). خلاصه در مورد آن کمترین تقییدی (از سوی شارع) صورت گرفته و عمدتاً به نیت، انگیزه و اراده واقفان و کاربرد اقتصادی و عرفی و اگذار گردیده است.

ج - عدم منافات با ماهیت و شروط وقف: همان‌طور که اشاره شد مهمترین دلیل بطلان وقف پول برای کاربردهایی نظیر قرض، مضاربه، رهن و مانند آن، مخالفت آن با ماهیت وقف، یعنی بقای اصل مال و تداوم استفاده آن است. منشأ این دلیل، حدیثی است که در متون روایی وارد گردیده است (السیوطی، ۱۳۴۸، ۳/۲۳۲؛ النسائی، ۱۴۱۱، ۴/۹۴ و ۹۵؛ ابن حجر، ۳۴۸، ۵/۲۷۲ و ۳۰۸ و الشوکانی، بی‌تا، ۵/۲۷ و ۱۳۲).

منافات ظاهری وقف پول با ماهیت وقف و مفاد حدیث فوق را می‌توان بدینگونه رفع نمود که اموال وقفی منقول دو قسم هستند: یک قسم از قبیل کالا می‌باشد، مانند کتاب، اثاثیه، سلاح و تجهیزات و قسم دیگر از قبیل نقد است، مانند وقف پول و اوراق بهادار. قسم اول از قبیل "حفظ اصل مال" است و قسم دوم از قبیل "حفظ مالیت مال" می‌باشد. بنابر این حفظ مال نیز بر دو نوع است که به "تشخیص عرف" مربوط است؛ یعنی بقای عرفی در وقف کالا و پول متفاوت است. صندوق خیریه یا صندوق وام ازدواجی را تصور کنید که شخصی آن را با یک سرمایه اولیه تأسیس نموده و وقف می‌نماید تا به عنوان وام در اختیار نیازمندان قرار گیرد. به محض تأسیس چنین صندوقی، شاهد تولد یک واحد حقوقی (صندوق خیریه) خواهیم بود که نابودی آن جز با ورشکستگی حقوقی آن محقق نمی‌گردد. مادامی‌که چنین شرایطی رخ نداده است، ماهیت حقوقی این صندوق باقی است. لذا بقای عرفی مال وقفی با وجود انتفاع، صدق می‌کند.

1- یعنی چارچوب وقف بر اساس عرف شناخته شده مربوطه تنظیم می‌گردد و شرط یا قیدی غیر از عرف بر آن حاکم نمی‌باشد.

آنچه با ماهیت وقف منافات دارد، آن است که مال موقوف با عمل انتفاع از آن مستهک گردد، اما چنانکه گفته شد حیات حقوقی صندوق وام وقفی مادامی‌که دچار ورشکستگی نشده، باقی است؛ همانند صندوق وام که اگر شخصی صندوق مضاربه‌ای را تأسیس نماید که سرمایه آن در اختیار افراد واجد شرایط قرار داده شود تا با آن تجارت نموده و سود آن در جهت مورد نظر مصرف گردد، در این صورت نیز عرفاً بقای حقوقی صندوق مضاربه محفوظ است.

حال می‌توان گفت اگر وقف صندوق وام یا صندوق مضاربه، با ماهیت وقف منافاتی ندارد، وقف پول برای اعطای وام یا مضاربه نیز باید صحیح باشد. می‌دانیم همه فقها، وقف سهام مربوط به شرکت را مجاز می‌دانند. حال فرض می‌کنیم چند نفر مشترکاً با سرمایه‌ای که دارند، یک شرکت سرمایه‌گذاری و یا یک مؤسسه اعتباری تأسیس نمایند که به عملیات اقتصادی در چارچوب عقود شرعی اشتغال داشته باشد. بنابراین نظر فقها یکی از این شرکا می‌تواند سهم خویش از چنین شرکتی را وقف نماید. در این صورت تفاوتی میان وقف سهام از چنین شرکتی با وقف مستقل سهام یک شرکت وجود ندارد؛ اگر اولی صحیح است دومی نیز صحیح خواهد بود.

به نظر نویسندگان این مقاله علت اینکه عده‌ای از فقها تاکنون وقف پول را منافی با ماهیت وقف دانسته‌اند، ساده بودن اقتصاد و عدم وجود بازارهای گسترده مالی در قرون اولیه اسلام بوده است. تا آنجا که دارایی‌ها عمدتاً در دارایی‌های فیزیکی متبلور می‌گردیده است. این امر موجب شده که وقف اموال منقول در وقف اموال غیر پولی (و غیر مالی) منحصر گردد و لذا تنها یک برداشت سنتی از بقای مال وقفی برجای مانده است^۱ با توجه به اینکه به‌طور معمول بخشی از سرمایه هر شرکتی در حال تغییر و تحول دائمی است، مجاز دانستن وقف سهام شرکتها از سوی فقها در واقع به معنی به رسمیت شناختن "وقف مالیت" است؛ زیرا آنچه در این تغییر و تحول باقی است، "مالیت" شرکت است نه "اصل" اموال و دارایی‌های آن. دلیل صحت وقف مزبور این است که گرچه سرمایه شرکت در حال تغییر است، ولی "مالیت" شرکت باقی است و تا شخصیت حقوقی شرکت به حیات خود ادامه می‌دهد و از نظر حقوقی ورشکسته نشده، عرفاً اطلاق شرکت به آن صدق می‌کند و بنابراین وقف سهام آن جایز خواهد بود.

د- تصحیح وقف پول با عموماً شریعت: حتی اگر وقف پول با ماهیت وقف ناسازگار باشد، چون دلیلی بر حرمت چنین معامله‌ای وجود ندارد، می‌توان آن را با کمک عموماً امضایی به عنوان معامله‌ای جدید تصحیح نمود. برخی از فقها نیز علی‌رغم اینکه وقف پول را صحیح نمی‌دانند، در صدد تصحیح آن برآمده و تصریح می‌کنند که: صاحب پول و سایر اشیا بی‌کی که عین آن مصرف می‌شود لذا در ظاهر قابل وقف کردن نیست، می‌تواند آن را به امانت بسپارد و شرط کند که صرف وام دهی به نیازمندان گردد (ملکوتی‌فر، ۱۳۸۰ش، ص ۱۴۴).

این امر نشان می‌دهد که وقف پول فی‌نفسه منعی ندارد بلکه مشکل تنها در صدق عرفی مفهوم وقف بر آن است. از سوی دیگر گستردگی اقتصاد، ظهور بازارهای جدید و امثال آن، ضرورت به رسمیت شناختن "وقف پول" را ولو به عنوان معامله‌ای جدید مطرح می‌سازد. دانشمندان اسلامی در تصحیح و استدلال بر مشروعیت برخی از عقود به ضرورت و نیاز مردم به آن عقد تمسک کرده و گفته‌اند: به دلیل نیاز مردم به یک عقد، آن عقد شرعی و صحیح خواهد شد. با این ملاک، عقود جدید نیز می‌توانند صحیح و مشروع باشند؛ زیرا در اثر پیشرفت و توسعه اجتماعی، اقتصادی، صنعتی، خدماتی و فرهنگی در هر جامعه و بین جوامع مختلف، روابط اقتصادی آن قدر پیچیده و دگرگون شده است که برخی از عقود مدون در فقه، پاسخگویی حل معضلات روابط مذکور نیست و نمی‌توان جمیع مناسبات و معاملات را در قالب آنها، محقق ساخت و چنانچه بر منحصر به فرد بودن آنها اصرار ورزیم، جامعه را دچار تنگنا خواهیم کرد (سلیمان‌پور، ۱۳۸۲ش، صص ۹۴ و ۹۵).

۱- با توجه به گسترش دایره معاملات و تحولات اقتصادی و ایجاد بازارهای نوین در عرصه‌های اقتصادی، همچون بازارهای مالی (که موضوع آنها دارایی مالی است نه فیزیکی)، شاید بتوان گفت نه تنها تحدید وقف به اعیان قابل بازرگاری است، بلکه باید با توجه به مقتضیات زمان، تصور سنتی از بقای اصل مال (در صورت استفاده) را نیز اصلاح کرد (عبده، ۱۳۸۴).

کوتاه سخن آن که پذیرش وقف پول هم با اصول عمومی دین سازگار است و هم جنبه عقلایی دارد و هم از نظر اقتصادی و تحولات جدید کارآمد می‌باشد. در حال حاضر، بانک وقف به عنوان یک بانک تخصصی در برخی کشورها فعالیت چشمگیری دارد. با تأسیس این بانک، علاوه بر آنکه تمامی عملیات بانکی مربوط به موقوفات کشور در یک مؤسسه مالی متعلق به اوقاف متمرکز می‌شود، زمینه برای انجام سایر عملیات مجاز بانکی از جمله تودیع سپرده‌های سرمایه‌گذاری فراهم می‌آید. سپرده‌های مذکور می‌توانند به تصویب شورای پول و اعتبار کشورها رسیده و از نرخ سود ترجیحی نیز استفاده نمایند. اینها می‌توانند زمینه‌ساز افزایش حجم سپرده‌های سرمایه‌گذاری گردیده و از این رهگذر، سود قابل ملاحظه‌ای را در اختیار بانک و سپردمگذاران آن قرار دهد.

۴- توصیه‌های سیاستی و جمع‌بندی

چنانکه ذکر شد، کارکرد اولیه اوقاف پول در کشورهای اسلامی، عمدتاً در ارتباط با «توزیع مجدد» بوده است. وام‌گیرندگان اغلب مصرف‌کنندگان کوچکی بودند و سرمایه اوقاف در راه پشتیبانی معاملات بزرگ به کار گرفته نمی‌شد. یک علت این امر، ریسک بالای سرمایه‌گذاری‌های مضاربه‌ای قلمداد گردید. در واقع مؤسسه‌های وقف پول، از این نظر شبیه آن دسته از بانکها هستند که انگیزه‌ای برای حضور فعال در بازار سرمایه ندارند. دلیل آن را هم باید در دو بُعد مدیریتی و مالی جست. از بُعد مدیریتی، بانکها و متولیان اوقاف پول، کنترل و هدایت سرمایه‌گذاران را بسیار مشکل می‌دانند. هزینه بالای مدیریت سرمایه در این موارد، آنها را از ورود به این عرصه باز می‌دارد. از بُعد مالی نیز ریسک بالا و بازده پایین سرمایه‌گذاری موجب می‌شود که بانکها مشارکت در بازار سرمایه را بهینه نیافته، عملیات وام‌دهی و اعتباری را در مجموع مطمئن‌تر و پر بازدهتر قلمداد نمایند.

به نظر می‌رسد، آن چه برای اقتصاددانان اسلامی باید اهمیت داشته باشد، این است که مؤسسه‌های وقف پول بتوانند هر چه بیشتر در روند سرمایه‌گذاری اقتصادی کشورها نقش داشته باشند. بدین منظور مؤسسه‌های وقف پول می‌توانند به گونه‌ای احیا شوند که نه تنها در «توزیع ثروت»، بلکه در «تولید ثروت» هم مشارکت نمایند؛ بدین ترتیب مؤسسات مذکور علاوه بر «توزیع و تخصیص منابع»، در «تجهیز آن» نیز سهم خواهند بود (چیزا کچا، ۱۳۸۳).

در بخش پایانی ابتدا چارچوب سازمانی فعالیت وقف پول معرفی و آنگاه راهکارهای عملی جلوگیری از سقوط ارزش پولهای وقفی ارائه خواهد شد.

۴-۱- ساختار سازمانی فعالیت وقف پول

دو شکل برای چارچوب سازمانی فعالیت اوقاف پول، پیشنهاد می‌گردد: بانک وقف پول و صندوق وقفی. اینک باختصار به شرح هر یک می‌پردازیم:

۱- بانک وقف پول: بانک وقف پول، به عنوان نوعی بانک تعریف و تأسیس می‌شود که پول‌های وقف شده را جمع‌آوری می‌کند و منافع آن را در راهی که واقفان اعلام داشته‌اند به مصرف می‌رساند. این بانک می‌تواند پرسشنامه‌ای را در اختیار واقفان قرار دهد تا ضمن درج میزان پول موقوفه، مصارف مورد نظر را نیز معلوم کنند. این مصارف بسیار گسترده‌اند و می‌توانند شامل: کمک به بیماران، فقیران، مقروضان، متقاضیان ازدواج، ساخت و تعمیر مدارس، مساجد، جاده، امور فرهنگی، امور بهداشتی، ورزشی و مانند آنها باشد. برای انتفاع از پول موقوفه لازم است با آن فعالیت اقتصادی انجام شود. از مناسب‌ترین فعالیت‌های اقتصادی، اعطای آن به افراد فعالی از تاجران، کاسبان و تولیدکنندگان است. بانک در نقش سرمایه‌گذار و تاجر، کاسب و تولیدکننده در نقش عامل، قراردادی در چهارچوب عقود اسلامی مثل مشارکت با مضاربه، منعقد می‌کنند و سود به‌دست آمده بین آنها تقسیم می‌گردد. سود برگشتی به بانک، پس از کسر هزینه‌های بانک و پس‌انداز مبلغی برای حفظ ارزش پول - به میزان نرخ تورم - به مصارفی که واقفان اعلام داشته‌اند می‌رسد. بدین ترتیب عده‌ای حتی با شرکت دادن پولی اندک، می‌توانند در کنار دیگر افراد در فراهم شدن مبالغی هنگفت - که سرمایه بانک وقفی را تشکیل می‌دهد - سهم داشته باشند و گروهی که برای کار به سرمایه نیاز دارند از اصل سرمایه بهره‌مند گردیده و محرومان نیز از منافع آن سود برند.

مخارج و هزینه‌های بانک نیز باید به شیوه‌های مناسب تأمین شود: یکی از این شیوه‌ها، برداشت از سود مشارکت می‌باشد. شیوه دیگر کمک مردم و سازمانهای دولتی است؛ مثلاً مردم می‌توانند با وقف ساختمان، به

امر خیرخواهانه بانک وقف، مدد رسانند و با کار کردن در آن، بدون دریافت دستمزد و حقوق (حتی به مدت چند ساعت در هفته)، بخشی از وقت خود را وقف این بانک نمایند. کمک سازمان رسمی اوقاف و با مؤسسات دیگر هم در تهیه محل بانک و با پرداخت بخشی از هزینه کارکنان مؤثر است. بانک وقف پول با درج اطلاعیه در جراید ضمن ارائه گزارش از فعالیت‌های خود، اسامی واقفان را (در صورت تمایل آنان) اعلام می‌کند. این بانک به دلیل ارتباط با وقف و پول، از سوی مراجع مربوط - سازمان اوقاف و بانک مرکزی - برای دوری از خطا مورد نظارت قرار می‌گیرد.

۲- صندوق وقفی: این صندوق چارچوب دیگری برای شکل‌گیری مؤسسه وقف پول است که در آن واقفان، مبالغی را برای قرض به نیازمندان، وقف می‌کنند. با بازپرداخت قرض، اصل پول وقف شده در صندوق باقی خواهد ماند. در ضمن صندوق‌های قرض‌الحسنه وقفی ممکن است به دو شکل قرض‌الحسنه عام یا خاص پدید آیند.

صندوق وقفی خاص: این نوع صندوق‌ها به افراد خاصی قرض می‌دهند و نمی‌توان منافع آن را به مصرف دیگران رساند. از جمله انواع صندوق قرض‌الحسنه وقفی خاص می‌توان موارد زیر را برشمرد:

الف) صندوق وقفی درمان: این نوع صندوق در بیمارستانها، درمانگاه‌ها و سایر مراکز درمانی تأسیس می‌گردد. منظور از تأسیس این نوع صندوق، کمک به بیمارانی است که استطاعت مالی برای درمان ندارند. افراد بسیاری هستند که پس از گذران دوره بیماری و به‌دست آوردن سلامتی خود و با عیادت از بیماران در بیمارستانها و مراکز درمانی، مایلند بخشی از پول خود را وقف بیماران نیازمند نمایند. این صندوق چنین امکانی را فراهم می‌نماید.

ب) صندوق وقفی ازدواج: هدف از ایجاد این صندوق، کمک به جوانان در حال ازدواج است که به کمک مالی محتاجند. این کمک به صورت قرض (بدون دریافت سود) ارائه می‌شود.

ج) صندوق وقفی کارکنان: کارکنان هر اداره یا سازمان یا شرکت می‌توانند با ایجاد یک صندوق قرض‌الحسنه وقفی در مواقع ضروری به یاری یکدیگر بشتابند. این یاری به وسیله قرض پول وقف شده کارکنان تحقق خواهد یافت. در ضمن با توجه به شرایط رو به تحول جهانی (در فرایند جهانی سازی و سایر تحولات قرن ۲۱)، می‌توان تأسیس این صندوق را نه تنها در داخل کشور بلکه در میان کشورهای اسلامی و حتی کشورهای فقیر غیرمسلمان نیز توسعه بخشید.

صندوق قرض‌الحسنه وقفی عام: ممکن است عده‌ای بدون قصد خاص، پول خود را برای قرض وقف نمایند. در این صورت لازم است صندوقی به عنوان «قرض‌الحسنه وقفی عام» ایجاد شود. کمک خیریه این صندوق به نیازمندان جنبه عمومی خواهد داشت و تمام موارد پیش گفته را شامل می‌شود (کسانی، ۱۳۸۴ش، صص ۲۷-۲۴).

۲-۴- جلوگیری از سقوط ارزش پول وقفی

با توجه به اینکه تورم، ارزش پول را کاهش می‌دهد، لازم است مقداری از سود فعالیت وقفی را به اصل سرمایه وقفی بازگرداند تا ارزش اولیه آن حفظ گردد و بقای پول موقوفه تضمین شود. در واقع می‌توان گفت پول هم مانند خانه یا ملک برای بقا به نوعی رسیدگی نیاز دارد. بنابراین طبق قانون وقف^۱، بخشی از درآمد موقوفه را می‌توان برای ترمیم آن به‌کار برد. درآمد حاصل از پول‌های وقفی همان سود سرمایه‌گذاری است.

۱- ماده ۶ قانون تشکیلات و اختیارات سازمان اوقاف و امور خیریه (مصوب ۱۳۶۳/۱۰/۲) چنین است: «صرف درآمد موقوفات به منظور بقای عین آنها بر سایر مصارف مقدم است و متولی موظف است موجبات آبادانی رقبات موقوفه را در جهت بهره‌برداری صحیح از آنها به منظور اجرای نیات واقف فراهم آورد.» تبصره ذیل این ماده نیز می‌گوید: «در صورتی که درآمد یکساله موقوفه یا اماکن اسلامی برای تعمیر و یا نوسازی آن کافی نباشد، درآمد دو یا چند سال در حساب مخصوصی ذخیره و به موقع به مصرف خواهد رسید.» مفاد ماده ۲۱ (اصلاحی) این‌نامه اجرایی مربوطه (مصوب ۱۳۶۵/۲/۱۰) نیز چنین است: «در مورد تعمیر و عمران موقوفات و تأمین و انجام هزینه‌های مورد نیاز به ترتیب زیر اقدام خواهد شد: الف. در موقوفاتی که واقف درصدی از درآمد را برای تعمیر و امور عمرانی پیش‌بینی کرده باشد، طبق نیات واقف عمل خواهد شد. ب. در سایر موارد برای انجام تعمیرات و عمران موقوفات با رعایت ماده ۶ از درآمد موقوفه هزینه‌های لازم تأمین و پرداخت خواهد شد. ج. ادارات اوقاف و متولیان می‌توانند در صورتی که مغایر وقف‌نامه نباشد، از طرق دیگر نظیر اخذ وام نیز برای این منظور استفاده نمایند.»

افزودن مقداری از سود پول به اصل آن، بقای آن را تضمین می‌کند. در ضمن در صورتی که نرخ تورم از مقدار سود بیشتر شد، ارزش پول وقفی را می‌توان به یکی از صورتهای زیر حفظ کرد:

۱. روند اعطای تسهیلات خیریه به نیازمندان کاهش یابد.
۲. از کارمزد کارکنان بانک وقفی کاسته گردد.
۳. کارمزد وام وقفی افزایش یابد.
۴. به کار رایگان و جلب کمکهای مردمی توجه بیشتری شود.
۵. در ادامه همکاری با وامگیرندگان تجدید نظر شود. زیرا کاهش چشمگیر ارزش اوقاف پول ممکن است از عدم آگاهی آنها نسبت به کار تجارت باشد، مگر آنکه تورم پیش‌بینی نشده و غیر منتظره حاکم گردد که در این صورت ضرر مربوطه را باید به عنوان یک واقعیت پذیرفت؛ چرا که ارزش پول هم مانند هر مال دیگر ممکن است به دلایلی کم شود.
۶. پیشگیری زیان ناشی از افزایش نرخ تورم نسبت به نرخ سود، از طریق پیش شرط تأمین مابه‌التفاوت از سوی وامگیرنده نیز یک راه دیگر به نظر می‌رسد. با این روش، اگر نرخ تورم (براساس اعلام رسمی از سوی مراجع ذیصلاح)، بالاتر از نرخ سود شود، وامگیرنده طبق قرارداد، جبران آن را تضمین خواهد نمود.

نتیجه و چند نکته قابل ملاحظه

۱. وقف به عنوان یک ابزار مالی کارآ، موجب تسهیل در انجام وظایفی می‌شود که عمدتاً در حیطه خدمات عمومی (آب، برق، تلفن و نظایر آن) قرار دارد. با عهده‌دار شدن وظایف مزبور توسط نهاد وقف، از تصدیگری دولت کاسته و نقش اقتصادی دولت از اعمال تصدی به اعمال حاکمیت سوق داده می‌شود.
۲. وقف به عنوان یک سرمایه عظیم مالی می‌تواند در تأمین رشد اقتصادی، دارای نقشی قابل توجه باشد. می‌توان سرمایه‌های عظیم وقف را همانند دیگر سرمایه‌ها با رعایت همه جوانب شرع و اهداف واقفان، در جریان فعالیتهای تولیدی و خدماتی قرار داد و آنها را از حالت رکود به حالت تحرک و پویایی هدایت نمود تا به این وسیله به رشد اقتصادی کمک نمود.
۳. وقف با توجه به خدماتی که در بخش‌های تولیدی، خدماتی و بازرگانی قابل انجام است، در توسعه اقتصادی نیز می‌تواند تأثیر شگرفی بر جای گذارده و در استقرار عدالت اجتماعی که هدف غایی توسعه اقتصادی است، سهم قابل ملاحظه‌ای ایفا نماید (هدایتی، بی‌تا).
۴. تأسیس وقف پول، عامل بسیار مهمی در جلوگیری از تجمع و تمرکز ثروت در جامعه و برقراری عدالت اقتصادی-اجتماعی است. بدین معنی که اگر تراکم ثروت باعث عدم توزیع عادلانه در میان افراد، اصناف و اقشار گوناگون جامعه می‌شود، وقف در مقابل، باعث برخورداری مساوی خواهد گردید. اگر تراکم ثروت باعث تعمیق شکاف طبقاتی شده و جامعه را به طبقات مختلف فقیر و ثروتمند تقسیم می‌کند، وقف فاصله طبقاتی میان طبقات مختلف جامعه را به حداقل می‌رساند.
۵. در فرهنگ دینی، پدیده وقف درست در نقطه مقابل فقر قرار دارد. با گسترش وقف پول، میزان فقر و محرومیت در جامعه کاهش می‌یابد؛ زیرا همان‌گونه که ذکر شد وقف یکی از راه‌های جلوگیری از تراکم ثروت محسوب می‌شود. با از بین رفتن تراکم ثروت، سرمایه جامعه در اختیار همگان قرار می‌گیرد و با بهرمنند شدن همگان از امکانات رفاهی و اقتصادی، زمینه تکامل در ابعاد فرهنگی، سیاسی و اجتماعی نیز فراهم می‌شود.
۶. بدون شک اگر سرمایه عظیم اوقاف پول در مسیر فعالیتهای گوناگون اقتصادی قرار گیرد، تعداد قابل توجهی از بیکاران، به کار جذب خواهند شد و این خود از آثار و برکات بسیار مهمی است که به تثبیت اقتصادی در سطح کلان منجر می‌شود.
۷. اکثر علما باوقف پول موافق هستند و اختلاف نظرهای موجود از طریق اجتهاد و توجه به قواعد عقلایی و نظریه‌های اقتصادی قابل حل است.

فهرست منابع

۱. باقی شهرضایی، عبدالعلی (۱۳۵۰) کارنامه اوقاف؛ تهران: شرکت سهامی طبع.
۲. جهانگیر، منصور (۱۳۸۳ش) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران و قانون مدنی؛ تهران: انتشارات آگاه.
۳. چیزاچا، مراد (۱۳۸۳) اوقاف در تاریخ و آثار آن در اقتصاد نوین اسلامی؛ ترجمه سید علی کسایی؛ میراث جاویدان، شماره ۴۵، صص ۱۱۲-۱۲۵.
۴. حائری یزدی، محمد حسن (۱۳۸۰) وقف در فقه و نقش آن در شکوفایی اقتصاد اسلامی؛ مشهد: بنیاد پژوهش‌های آستان قدس.
۵. دادگر، یدا... (۱۳۷۸) نگرشی بر اقتصاد اسلامی؛ تهران: انتشارات دانشگاه تربیت مدرس.
۶. سلیمان‌پور، محمدجواد (۱۳۸۰) قراردادهای مالی جدید در اسلام؛ فصلنامه تخصصی اقتصاد اسلامی، شماره ۱۱، صص ۷۹-۹۶.
۷. شعرائی، ابوالحسن (بی‌تا) فقه فارسی؛ تهران: انتشارات اسلامی.
۸. عبده تبریزی، حسین (۱۳۸۴) نهاد مالی صندوقهای وقفی در جهان و اصول اسلامی در ایران؛ فصلنامه پژوهشی دانشگاه امام صادق، شماره ۲۵، صص ۳۷-۶۷.
۹. فیض، علیرضا (۱۳۷۳) مصلحت و وقف و پاره‌ای از شرطهای آن؛ میراث جاویدان، شماره ۸، صص ۱۰۴-۱۰۶.
۱۰. کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۳ش) حقوق مدنی؛ تهران: نشر بلد.
۱۱. کسائی، علی (۱۳۸۴) وقف پول؛ میراث جاویدان، شماره ۵۱، صص ۱۷-۳۰.
۱۲. ملکوتی‌فر، ولی... (۱۳۸۰) بررسی تطبیقی وقف؛ میراث جاویدان، شماره ۳۳ و ۳۴.
۱۳. ابن‌دریس، ابوجعفر محمد بن منصور (۱۴۱۰ق) السرائر؛ مؤسسه النشر الاسلامی.
۱۴. ابن‌البراج، عبدالعزیز (۱۴۰۶ق) المهذب؛ مؤسسه النشر الاسلامی.
۱۵. ابن‌الهمام، محمدبن عبدالواحد (بی‌تا) شرح فتح القدير؛ بیروت: دار الاحیاء التراث.
۱۶. ابن حجر العسقلانی، أحمد بن علی (۱۳۴۸ق) فتح الباری؛ بیروت: دار الاحیاء.
۱۷. ابن حمزه، ابوجعفر محمد بن علی (۱۴۰۸ق) الوسیله؛ قم: مکتبه المرعشی.
۱۸. ابن زهره، حمزه بن علی (۴۰۴ق) الغنیه؛ مکتبه المرعشی.
۱۹. ابن سعید الحلبي، یحیی (۱۴۰۵ق) الجامع للشرایع؛ مؤسسه شهدا.
۲۰. ابن‌قدمه، موفق‌الدین (۴۱۴ق) المغنی؛ بیروت: دار الفکر.
۲۱. احمد، محمود (۲۰۰۳) نظام الوقف؛ کویت: البنك الاسلامی للتمیة.
۲۲. الارنبیلی، أحمد (۱۴۱۶ق) مجمع الفائدة و البرهان؛ النشر الاسلامی.
۲۳. الارناؤوط، محمد (۲۰۰۵/۴/۶) وقف النقود فی القدس أبان الحکم العثماني، الحیاه.
۲۴. الاصفهانی، ابوالحسن (۱۳۹۷ق) وسیله النجاه؛ بیروت: دار التعارف للمطبوعات.
۲۵. آل کاشف‌الغطاء، محمدحسین (۱۳۶۲ق) تحریر المجله؛ النجف الاشراف: نشر المکتبه.
۲۶. البحرانی، یوسف (۱۴۰۵ق) الحدائق الناضره، مؤسسه النشر الاسلامی.
۲۷. التمرتاشی، محمد بن عبد الله (بی‌تا) تنویر الابصار؛ مطبوع مع حاشیه ابن عابدین.
۲۸. الجبیر، هانی بن عبدالله (۴۲۴ق) الوقف النقدي؛ مجله الاسلام الیوم.
۲۹. الحر العاملی، محمد بن الحسن (۱۴۱۲ق) وسائل الشیعه؛ مؤسسه الالبیت.
۳۰. الخطیب، أحمد علی (۱۳۹۸ق) الوقف والوصایا؛ نشر جامعه بغداد.
۳۱. الدردیر، أحمد بن محمد (۱۳۹۸ق) الشرح الصغیر؛ مکه: دار المعرفه.
۳۲. الراوندی، سعید بن عبد اله (۱۴۱۰ق) فقه القرآن؛ بیروت: دار التراث.
۳۳. الزحیلي، وهبه (۱۴۰۵ق) الفقه الاسلامی؛ دمشق: دار الفکر.
۳۴. الزرکلی، خیر الدین (۱۹۸۴م) الاعلام؛ بیروت: دار العلم.
۳۵. زین‌الدین (۱۴۲۲ق) حاشیه شرائع الاسلام؛ النشر الاعلام الاسلامی.
۳۶. السبزواری، عبدالاعلی (۱۴۱۶ق) مهذب الاحکام؛ دفتر السید السبزواری.
۳۷. السبزواری، علی‌بن محمد (۱۳۷۹ش) جامع الخلاف و الوفاق؛ انتشارات زمینه‌سازان.

۳۸. السبزواری، محمد باقر بن محمد (بی‌تا) کفایه الاحکام؛ اصفهان: انتشارات صدر.
۳۹. السبوطی، جلال الدین (۱۳۴۸ق) سنن النسائي؛ بیروت: دار الفکر.
۴۰. الشریبونی الخطیب (۱۳۷۷ق) مغنی المحتاج؛ قاهره: مطبعه الحلبي.
۴۱. شریف، محمد (۱۴۲۵) وقف؛ مجله العالمیه، سند ۱۶، عدد ۱۷۲.
۴۲. الشوکانی، محمد بن علی (بی‌تا) نیل الاوطار؛ بیروت: دار الجیل.
۴۳. الصدوق، محمد بن بابویه (۱۴۰۴ق) من لایحضره الفقیه؛ النشر الاسلامی.
۴۴. الطباطبایبی الیزدی، محمد کاظم (بی‌تا) ملحقات العروه الوثقی؛ انتشارات داورى.
۴۵. الطباطبایبی، محمد (بی‌تا) المناهل؛ مؤسسه آل‌البيت.
۴۶. الطرابلسی، ابراهیم بن موسی (۱۴۰۱ق) الاسعاف فی أحكام الاوقاف؛ بیروت: دار الرائد.
۴۷. الطوسی، محمد بن الحسن (۱۳۶۵ش) تهذیب الاحکام؛ تهران: دار الکتب الاسلامیه.
۴۸. _____ (۱۴۱۱ق) الخلاف النشر الاسلامی.
۴۹. _____ (بی‌تا) المبسوط؛ نشر المکتبه المرتضویه.
۵۰. العاملي، محمد جواد (بی‌تا) مفتاح الكرامه؛ بیروت: دار إحياء التراث.
۵۱. العامله الحلبي، حسن بن يوسف (بی‌تا "الف") قواعد الاحکام؛ منشورات الرضي.
۵۲. _____ (بی‌تا "ب") تبصره المتعلين؛ تهران: انتشارات اسلامیه.
۵۳. فخر المحققين، محمد بن الحسن (۱۳۸۸ق) ايضاح الفوائد؛ مؤسسه اسماعيليان.
۵۴. الفيض الكاشاني، محمد حسن (۱۴۰۱ق) مفاتيح الشرايع؛ مجمع‌الذخائر الاسلاميه.
۵۵. القزويني، محمد بن يزيد (بی‌تا) سنن ابن ماجه؛ بیروت: دار إحياء التراث.
۵۶. الكرلاني، جلال الدين (بی‌تا) الكفایه؛ دار إحياء التراث العربي.
۵۷. الكيدري، قطب الدين محمد (۱۴۱۰ق) الاصباح؛ بیروت: دار التراث.
۵۸. المامقاني، عبدالله (۱۴۰۴ق) مناهج المتقين؛ قم: مؤسسه آل‌البيت.
۵۹. المحقق الثاني، علي بن الحسين (۱۴۱۰ق) جامع المقاصد؛ مؤسسه آل‌البيت.
۶۰. المحقق الحلبي، جعفر بن الحسن (۱۴۰۲ق) المختصر النافع؛ طهران: المکتبه الاسلاميه.
۶۱. محمد بن مكي (۱۴۱۴ق) الدروس الشرعيه؛ مؤسسه النشر الاسلامي.
۶۲. المرغيناني، علي بن أبي بكر (۱۳۸۴ق) الهدايه؛ قاهره: مطبعه مصطفى الحلبي.
۶۳. مغنيه، محمد جواد، (۱۹۷۹) الفقه علي مذاهب خمسہ بیروت: دار العلم.
۶۴. المفيد، محمد بن النعمان (۱۴۱۰ق) المقنعہ؛ مؤسسه النشر.
۶۵. النجفي، محمد حسن (۱۳۹۷ق) جواهر الكلام؛ تهران: دار الکتب الاسلاميه.
۶۶. النسائي، أحمد بن شعيب (۱۴۱۱ق) السنن الكبرى؛ بیروت: دار الکتب العلميه.
۶۷. النوري، حسين (۱۴۰۸ق) مستدرک الوسائل؛ بیروت: مؤسسه آل‌البيت.
68. Akhtar, S. (1997) waqf Administration; Kashmir University Law Review, vol. (4).
69. Algari, M. (1992) Relevance of Ottoman Cash Waqf for the Modern Islamic Countries; Conference Papers, Kuala Lumpur.
70. Anderson, J. (1952) Recent Development in Sharia Law; Muslim World, vol. 42(4), pp 257-76.
71. Arif, M. (1978) (Fiscal Economics of Islam; Jeddah, Abdul Aziz University.
72. Ashfaq, A. (2002) Socio- Economic Role of Waqf in the Advancement of Muslims, Waqf (3), 21-30.
73. Bashir, M. (1977) Manual of Waqf; Lahore book service.
74. Caudiosi, M. (1988) Influence of Waqf on the Development; University of Pennsylvania, Law Review, vol. 136.
75. Cizaca, M. (1995) Cash Waqf of Bursa; Journal Of Economics and Social History, 35, 313-3554.
76. Cizaka, M. (1998) Waqf and its Implications; Islamic Economic Studies, 6, No.1.
77. Connoly, S. and Manroe, A (1999) Economics of Public Sector; Harlow, Prentice Hall.
78. Fay, M. (1997) Women and Waqf; International Journal of Middle East Studies, (29), 1, 33-51.
79. Frankel, Y. (1991) Social Aspects of Waqf, Bulletin of Oriental Studies, vol. 62 (1), 1-20.
80. Gil, M. (1998) The Earliest Waqf Foundations; Journal of New Eastern Studies, vol. 57(2), 125-140.
81. Gilbar, G. (1979) Moslem Waqf and Economic Growth; Conference Papers, Jerusalem, June 24- 28.
82. Kahf, M. (1998) Waqf and its Application in North America, Indiana, Isna.

83. Kato, H. (1994) Waqf as a System of Economic Integration; International Islamic Conference, Tokyo, 221-238.
84. Kazlowski, G. (2002) Waqf in India; Moslem Endowment, Alalam. Vol 55, 277-291.
85. Luyish, A. (1997) The Family Waqf in Modern Times; Journal of Islamic Law, vol. 4, 352-88.
86. Pety, G. (1991) Women in Middle East; Yale University Press.
87. World waqf Foundation (2002) Regulations of the World waqf Foundation; Jeddah, ID

Archive of SID